



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۲۲	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۱۵
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث هفتم: علم اجمالی				
عنوان ۳	حجیت علم اجمالی در مقام امثال				
عنوان ۴	مبحث سوم: امثال اجمالی در عباداتی که موجب تکرار می شود				
عنوان ۵	وجوه لزوم امثال تفصیلی				
عنوان ۶	وجه اول: مبنای میرزای نائینی				

بحث در این بود که آیا در مواردی که امثال تفصیلی ممکن است، امثال اجمالی به تکرار عبادت جایز بوده و موجب فراغت ذمه می شود یا خیر؟

چهار وجه برای لزوم امثال تفصیلی و عدم کفایت امثال اجمالی می توان بیان نمود:

۱. اینکه ادعا شود عقلاً امثال باید محقق یک عنوانی باشد که این عنوان جز با امثال تفصیلی محقق نمی شود. در صورتی امثال صورت می گیرد که محقق عنوان اطاعت باشد و خود امثال فی نفسه ملاک نیست؛ بلکه باید عنوان اطاعت بر آن صدق کند.

به عبارت دیگر: امثال اگر مطلوب بوده و موجب فراغت ذمه می شود، به این دلیل است که اطاعت است؛ اما اگر امثال محقق عنوان اطاعت نشود، عقلاً موجب فراغ ذمه نمی شود زیرا آنچه که عقل بر ما الزام می کند، اطاعت مولا است. ادعا می شود که آنچه می تواند عنوان اطاعت را محقق کند، امثال تفصیلی است؛ نه امثال اجمالی که این را توضیح خواهیم داد؛ بنابراین امثال اجمالی در موارد امکان امثال تفصیلی، موجب فراغت ذمه نمی شود.

بله؛ اگر امثال تفصیلی ممکن نبود، در اینجا عقل می گوید برای اطاعت، چاره ای جز امثال اجمالی نیست و در این صورت امثال اجمالی کفایت می کند؛ اما هنگامی که امثال اجمالی ممکن است، آنچه می تواند محقق طاعت باشد، امثال تفصیلی است. مبنای میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیه همین است که توضیح خواهیم داد.

۲. اینکه گفته شود، شرعاً امثال تفصیلی مطلوب است؛ یعنی مولا در مقام تشریع، آنچه از عبد می خواهد، امثال تفصیلی است؛ نه امثال اجمالی؛ یا به این دلیل که گفته شود خود خطاب ظهور در امثال تفصیلی دارد؛ مثلاً کسی ادعا کند که «اقم الصلاة» مثلاً ظهور در امثال تفصیلی دارد یعنی معنایش چنین است که نماز را به امثال تفصیلی اتیان کن؛ و یا اینکه گفته شود غرض مولا از خطاباتش محقق نمی شود مگر با امثال تفصیلی.

۳. اینکه گفته شود امتثال تفصیلی عقلاً لازم است و عقلاً امتثال اجمالی موجب فراغت ذمه نمی شود به این دلیل که آنچه موجب امتثال تفصیلی می شود، مطابقت مآتی به با مأموریه است؛ یعنی همان چیزی که مولا امر کرده را مکلف باید اتیان کند؛ و چون در موارد امتثال اجمالی، مآتی به با مأموریه مطابقت ندارد، [امتثال اجمالی کافی نیست]؛ مولا نگفته دو نماز بخوان؛ بلکه گفته یک نماز بخوان.

۴. اینکه ادعا شود اساساً مولا حق امتثال تفصیلی دارد؛ یعنی آن حقی که بر ذمه عبد است و اگر آن را ادا نکند، حق مولا را ادا نکرده است، حق امتثال تفصیلی است؛ نه امتثال اجمالی.

تفاوت این قسم با قسم اول این است که در این قسم گفته می شود که حق امتثال تفصیلی، حق مستقلی برای مولاست، غیر از حق اطاعت و امتثال؛ یعنی مولا یک حق دارد که باید امرش امتثال شود و حق دیگری دارد که باید امرش به تفصیل امتثال شود؛ یعنی خود امتثال تفصیلی، حق مستقلی غیر از حق امتثال و اطاعت است؛ یعنی وجه چهارم می گوید بفرض اینکه با امتثال اجمالی، مطلق الطاعة مولا محقق شود، عقل می گوید علاوه بر اصل امتثال امر، آنچه باید برای مولا انجام داد، امتثال تفصیلی است.

این چهار وجه نهایت چیزی است که بر مبنای اینها می توان ادعا کرد که امتثال اجمالی در موارد تکرار عبادت، کفایت نمی کند و موجب فراغت ذمه نمی شود. این چهار وجه را یک به یک بررسی می کنیم:

وجه اول: وجه میرزای نائینی

وجه اول وجهی است که از بیانات میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیه استفاده می شود. ادعای ایشان است که مولا حق اطاعت دارد و حق اطاعت مولا، در موارد امکان امتثال تفصیلی، جز با امتثال تفصیلی ممکن نیست و امتثال اجمالی تنها در مواردی جایز است که امکان امتثال تفصیلی نباشد. به عبارت دیگر که اقرب از تعبیر خود میرزاست چنین می توان گفت: حق اطاعت مولا، با امتثال تفصیلی محقق می شود و امتثال اجمالی، در طول امتثال تفصیلی است؛ بدین معنا که اگر امتثال تفصیلی ممکن نشد، آنوقت امتثال اجمالی موجب فراغت ذمه می شود.

ایشان برای اثبات این ادعا چنین دلیل می آورند که یک احتمال الامر وجود دارد، یک ذات الامر و نفس الامر. آنجا که امکان امتثال نفس الامر باشد، نوبت به امتثال احتمال الامر نمی رسد. امتثال در موارد امتثال تفصیلی، امتثال نفس الامر است؛ اما در امتثال اجمالی که مثلاً شک بین قصر و تمام وجود دارد، مکلف نماز قصر و تمام را به احتمال امر می خواند؛ به عبارت دیگر در مواردی که ما از باب احتیاط امتثال اجمالی انجام می دهیم و عبادتی را تکرار می کنیم، به احتمال امر عبادت را تکرار می کنیم.

احتمال امر، عقلاً از خود امر متأخر است؛ یعنی ابتدا باید امری باشد، تا احتمال الامر وجود داشته باشد. لذا چون احتمال الامر، از خود امر متأخر است، عقل می گوید وقتی مولا امر کرد، با امتثال خود این امر، حق مولا ادا می شود؛ این همان حق طاعت مولاست و تا زمانی که عبد می تواند خود امر را امتثال کند، نوبت به احتمال الامر نمی رسد؛ زیرا احتمال الامر در رتبه متأخر از خود امر است.

بنابراین به این دلیل که امثال اجمالی، امثال احتمال الامر است، در رتبه متأخره از نفس الامر است؛ لذا در مواردی که امثال خود امر فی نفسه ممکن است، نوبت به امثال امر احتمالی نمی‌رسد. بنابراین در موارد امکان امثال تفصیلی، امثال اجمالی مجزی نیست؛ یعنی امثال اجمالی، محقق عنوان اطاعت نیست. بنابراین مکلف، نمی‌تواند نه مجتهد باشد و نه مقلد و به احتیاط عمل کند؛ بلکه باید یا مجتهد باشد یا مقلد، تا امثال تفصیلی انجام دهد؛ و زمانی که شخص بتواند از طریق تقلید یا اجتهاد، امثال تفصیلی کند، نوبت به جواز احتیاط نمی‌رسد. ثمره کلام میرزا، در اینجا معلوم می‌شود.

اشکال استاد شهید بر این وجه

استاد شهید صدر بر این کلام میرزا به دو وجه اشکال می‌گیرند:

اشکال اول:

مرحوم نائینی در ضمن بیاناتشان چنین می‌فرماید که عقل بدین جهت می‌گوید تا زمانی که امثال تفصیلی ممکن است جایی برای امثال اجمالی وجود ندارد، که حسن انبعاث از احتمال الامر، عقلاً متوقف بر این است که انبعاث از خود امر، ممکن نباشد؛ اما در صورتی که انبعاث از خود امر ممکن باشد، احتمال امر حسن ندارد. اشکال اول استاد شهید به این کلام است که مبنای چنین ادعایی چیست که حسن انبعاث از احتمال الامر، در مواردی است که امکان انبعاث از نفس الامر نباشد؟ بلکه شاید بتوان ادعا کرد که انبعاث از احتمال الامر، در مقام تحسین عقلی، اقوی از انبعاث از نفس الامر است؛ یعنی آن عبدی که احتمال امر نیز بدهد، منبعث می‌شود، منقادتر از عبدی است که تا قطع و علم به امر پیدا نکند، منبعث نمی‌شود. بنابراین ایراد اول این است که ما قبول نداریم که حسن انبعاث از احتمال امر، متوقف بر عدم امکان انبعاث از نفس الامر باشد.

اشکال دوم:

اشکال دوم مرحوم آقای صدر به مرحوم میرزا این است که اینکه شما می‌فرمایید «انبعاث از احتمال امر، رتبتاً متأخر از انبعاث خود امر است» فرمایش درستی نیست! مگر انبعاث عبد، از ذات الامر واقعی است؟ آنچه منشأ انبعاث عبد است، علم است؛ یعنی وجود علمی عبد، او را به سمت امثال منبعث می‌کند؛ نه وجود واقعی خارجی آن؛ و وجود علمی امر، با وجود احتمالی امر، هر دو در ذهن مکلف، در عرض یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر: اگر بنا بود ذات امر خارجی منشأ انبعاث شود، ممکن بود بگوییم احتمال امر، متوقف بر وجود خارجی امر؛ در حالی که وجود خارجی امر منشأ انبعاث نیست؛ بلکه آنچه منشأ انبعاث مکلف است، وجود علمی امر است؛ و علم به امر، مانند احتمال امر است و هر دو در عرض یکدیگر قرار دارند و متوقف بر امر نیستند؛ یعنی احتمال امر متوقف بر این نیست که امر وجود داشته باشد تا من احتمال امر بدهم؛ یعنی امر که می‌خواهد وجود ذهنی پیدا کند، یا به نحو علم وجود ذهنی پیدا می‌کند و یا به نحو احتمال؛ لذا توقفی در اینجا وجود ندارد و هر دو در عرض یکدیگرند.

بنابر این این فرمایش که امثال احتمال الامر، رتبتاً متأخر از امثال نفسی است، فرمایش درستی نیست؛ لذا فرمایش ایشان که فرمود امثال اجمالی در جایی است که امثال تفصیلی ممکن نباشد، فرمایش درستی نخواهد بود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین